

نوشته: خانم ط. علی عسکروا

ترجمه: م. موسوی

پسوند

وان // بان

اشتغال زن به ذهن خطور می کند. مجموع این نکات، یا آنچه در تمامی این بررسیها به عنوان تحلیلی از سرنوشت زن در زمانی محدود و جغرافیایی خاص با بیان خود وی برمی آید، در عین حال، حکایتی از بنیادی ترین پدیده عصر ما دارد: گرفتن تکنولوژی نوبه خدمت انسان، مرد یا زن. چنانکه افزایش بازده تنها هدف سازمانهای تولیدی و خدماتی گردد، مرد و زن با هم در لابلای چرخهای آن گرفتار خواهند بود، اختراعات نو، به خدمت رفاه انسان در نخواهد آمد، بلکه ساعات کار بیشتر، فساد طبیعت، نیازهای مصنوعی و متنوع از آن برخوردار خاست. آیا زن امروز که با بدوش کشیدن وظایف سنتی در فضاهای تازه اجتماعی نیز به کار گرفته می شود، نباید بیشتر از اسلاف خود حمایت ببیند؟ جذب سخت وی در بازار کار و در تمامی ساعات به دیگر نقشهای آسیب نخواهد رساند؟ تعادلی که جامعه در افق فردایش می جوید، تنها با تشارک زن و مرد و تساوی آنان در خدمات اجتماعی، بازبینی نظامهای ارزشی تامین خواهد شد، مسأله اساسی بازبینی مجدد تمدنی است که در آن انسان در لابلای فولاد و آهن قرار می گیرد و به جای آنکه این ابزار در خدمتش باشند به خدمت آنان گرفته می شود و حماسه انسان هزاره دوم میلادی و این بار چه زن و چه مرد از آن منشاء می گیرد.

انسانی و مطالعات فرهنگی

جامع علوم انسانی

بان // وان از دیدگاه ریشه‌شناسی از واژه‌ای که در زبانهای باستانی ایران و زبان سانسکریت مفهوم سرور، آقا، صاحب و نگهبان و محافظ داشته مشتق شده است. ریشه آن در زبان اوستایی PĀNA و vĀNA و در فارسی باستان VAN یا PĀVAN و در زبان سانسکریت PĀNA بوده است. این واژه هنوز هم در برخی از زبانهای هند و اروپایی مفهوم باستانی خود را حفظ کرده است. برای مثال در زبان چکی و مجارستانی واژه پان (PĀN) به معنای آقا، جناب، به‌کار برده می‌شود. می‌توان گفت در کاربرد زبانهای باستانی ایران، تنها در واژه‌های مرکب آمده و فاقد صورت زبانی آزاد بوده و اصولاً نقش پسوندی داشته است. برای نمونه در واژه‌های اوستایی ATHARVĀNA = آذربان، آتش‌بان و MAGAVANA = معوید = مؤید = رئیس مغان و TṢUPĀNA = چوپان و RANPĀNA = رانبان، جامه‌زیر و در واژه‌های فارسی باستان XĀATHRAPĀ = صورت پسوندی مفهوم ساز در واژه‌های VA(N) = شهربان و نیز در زبان فارسی میانه به صاحب‌خانه MARZPĀN = مرزبان و ZINDANPĀN = زندانبان و STURPĀN = ستوربان و غیره به کار رفته است. همانگونه که از نمونه‌های قید شده بر می‌آید شکلهای صوتی (PHENOTIC) آن در اوستایی PĀNA و vĀNA و در فارسی باستان PĀVA و VA(N)A بوده و در فارسی میانه PĀN شده است.

در فارسی باستان هم اگرچه شکل نگارش آن $\bar{V}\bar{A}$ آمده ولی در حقیقت (VĀN) خوانده می‌شده است. زیرا در نگارش فارسی باستان هرگاه وا (N = ن) در آخر واژه و یا پیش از واکهای صامت

ب - ن - ت - د - ک - قرار می‌گرفت افکنده می‌شد و به تحریر نمی‌آمد. برای نمونه نگارش واژه‌های زیر بدین‌گونه بوده است: BA(N) DAKA بنده AV(N) TAR = اندرو و AHA(N) = بودند و KA(N) TANAIYA = کندن و غیره.

PĀN که یکی از شکلهای باستانی بان // وان است، در زبان فارسی معاصر تنها در واژه چوپان = شبان = FṢU = گله + PĀNA = نگهبان و محافظ و نگهدار) و به شکل وان = VAN آن هنوز هم در اندکی از واژه‌ها بر می‌خوریم مانند: دیدوان، شتروان، یالیزوان، دشتوان، ساروان.

در اینجا لازم است یادآور شویم واژه بانو (= خانم = صاحبه) که در فارسی معاصر رایج است با بان // وان هم‌ریشه است. PĀN = بان در زبانهای باستانی ایران با پذیرفتن پسوند (ū) که نشانه ویژه مقوله جنس است به شکل PĀNŪ در آمده است. بانو = PĀNŪ برابر صاحبه (خداوند یا مالک یا سرور) مادینه و نیز بان = PĀN برابر صاحب (خداوند و سرور و مالک) نرینه بوده است (با واژه‌های PĀN = صاحب و پانی = PANI = صاحبه در زبان معاصر مجارستانی مقایسه شود).

چنین بر می‌آید که زبان فارسی باستان هم نشانه مقوله (حال) و هم نشانه مقوله جنس داشته است. اگرچه زبان فارسی میانه و فارسی معاصر فاقد علامت مقوله جنس است ولی واژه‌های بسیار کمی هنوز هم این نشانه ویژه را حفظ کرده است مانند: روشنگ (مادینه) از واژه روشن و در فارسی میانه PIRAK از واژه پیر به معنای زن پیر و از واژه شهربان (= نرینه) واژه شهربانو = اسم خاص زنان و

زن فرمانروا باز مانده است .

در برخی از زبانهای ایرانی و گویشهای زبان فارسی مقوله نشانه جنس باز به شکل بارزتری به چشم می‌خورد برای نمونه در لهجه‌های گوناگون قزوینی به جای خر ماده (خره) و به جای خرتر (خر) و به جای گاو ماده (گاوِه) و به جای گاو نر (گاو) به کار برده می‌شود .

در زبان پشتو یکی از نشانه‌های جنس ماده پسوند (او) می‌باشد و این پسوند بدون توجه به جاندار و یا بیجان بودن موسوم به کار می‌رود . در زبان مادی SPAKU معادل سگ ماده است .

سید احمد کسروی که به اشتباه چنین می‌انگارد که زبانهای باستانی ایران فاقد مقوله نشانه دستوری جنس می‌باشد می‌نویسد : "در هر زبانی که برای جدا کردن مادینه از نرینه نشانه‌هایی هست به ویژه در زبانهای باستان که این نشانه بیشتر بوده ولی در فارسی نه در زبان امروزی و نه در زبانهای فارسی باستان چنان نشانی دیده نمی‌شود" (گافنامه ص ۱۷ - گردآورنده بحی ذکا) .

در حالیکه در زبان فارسی باستان و زبان اوستایی مقوله نشانه دستوری جنس وجود داشته است . چون واژه بانودر زبان فارسی میانه به صورت بانوک (= BĀNUK) نوشته شده برخی از مؤلفان را به اشتباه افکنده و چنین پنداشته‌اند چون هم (U) و هم (K) هر دو پسوند ویژه نشانه جنس مادینه است و دویسوند با یک مفهوم نمی‌تواند در کنار هم بیاید بنابراین از دیدگاه آنان این مسأله اندکی تاریک و مبهم به نظر می‌رسیده است . ولی حقیقت اینست که در واژه بانوک (= BANUK) نشانه جنس

واک (ک = K) نیست بلکه واک مصوت (U) است و ک = K برای آن به آخر واژه افزوده شده است که واژه به مصوت (U) خاتمه یافته است . زیرا در زبان فارسی میانه واژه‌هایی که حرف واپسین آنها مصوت بوده به صورت قید واک (ک = K) را در پایان می‌پذیرفته است . و در زبان فارسی معاصر بیشترین اینگونه واژه‌ها واپسین واک خود را از دست داده است . مانند : آفتابک AFTĀBĀK که آفتابه شده و NAMAK که نامه شده است . (نامک در فارسی به معنای کتاب نیز بکار رفته است) و چون اینگونه واژه‌ها در فارسی معاصر واپسین واک خود را از دست داده است هجای بازی جایگزین آن واک واپسین شده است . و این یکی از ویژگیهای بنیاد تاریخی صداشناسی زبان فارسی است . این ویژگی زمانی در زبانهای ترکی نیز وجود داشته است مثلا "واژه‌های اولوک ölüük = مرده و دیری Dirī = زننده و آتلی = ATLi = صاحب اسب در شکل باستانی اولوک (ölük) و دیریک (Dirik) و آتلیغ (Atliğ) بوده است .

چون شهربانو مادینه شهربان است این مقوله وجود واژه بانو را در زبانهای باستانی ایران قابل پذیرش می‌سازد با توجه به اینکه واژه شهربان در زبان فارسی باستان به صورت XŠATHRAPAVAN نوشته می‌شد نشان دهنده جنس نرینه بوده است ازین رو اگر شکل مادینه^۵ این واژه در نوشته‌ها نیامده باشد هم به گمان نزدیک به یقین در زبانهای باستانی ایران بطور اعم وجود داشته است . وجود هر دو جنس این واژه در زبان فارسی میانه (ŞATROPAN نرینه و ŞATROPANIK مادینه)

کمانی را که در بالا قید کردیم تقویت و تصدیق می‌کند.

از دیدگاه ج - دارمستتر و آشودزکو و م . ع لوائی پسوند بان // وان شکل مخفف واژه بانو بوده و سپس کاربرد پسوندی یافته است . چنین فکری از نظر علمی نادرست است زیرا این هر دو واژه (بان و بانو) که از یک ریشه مشتق شده و نشانه دستوری ویژه دو جنس بوده است ، در تطور بعدی زبان فارسی معاصر که فاقد نشانه جنس است به صورت یک واژه (آزاد) به کار برده می‌شود .

در کتابهای دستور زبان فارسی و در آثار پژوهشی پیرامون این پسوند و ویژگیهای مفاهیم آن آگاهیهای همه جانبه‌ای ارائه شده است . بان // وان در زبان فارسی معاصر از مورفم (MORFEME = MORFEME = واژه = تکواژ) های پر بار به شمار می‌آید و به گروه واژه‌های زیر که دارای مفاهیم متفاوت می‌باشند افزوده می‌شود .

۱ - به اسم مکان افزوده می‌شود مفهوم حافظ و نگهبان آن مکان را می‌رساند یا اسم شغل برای اشخاصی که در محلی ویژه به کار مشغولند می‌سازد مانند : زندانبان - دژبان - دهبان - دروازه‌بان - باغبان - بوستانیان - مرزبان - رودبان - دریابان .
چو آمد به نزدیک اروند رود
فرستاد زی رودبانان درود (فردوسی)

۲ - به اسم جانوران و گیاهان افزوده می‌شود و اسم شغل اشخاصی را که از آنها مواظبت یا نگهداری می‌کنند و یا پرورش آنها را برای خویش به عنوان شغلی برگزیده‌اند می‌سازد ، مانند : ساریبان -

شتروان - شتربان - رزبان - رزوان - گله‌بان - فیلبان - ستوربان .

" زن فیلبان ازین کار آگاه شده دو بچه کوچک هندو را آورده و به زیر پای فیل انداخت (آدمک نان قندی - رحیم سلطانوف ص ۷۴ - باکو ۱۹۶۳) .
۳ - با افزوده شدن به اسمهایی که دارای معنایی (آبستراکت = مجرد = ABSTRACT) می‌باشند نام اشخاصی را که همان ویژگی را در خویش دارند می‌سازد مانند : دادبان - پاس‌بان - نگهبان - مهربان - رازبان .

بگفتند با رازبان راز خویش (فرهنگ سروری)
۴ - با افزودن بر نام برخی از ابزارها و اشیاء نام اشخاصی را که از آنها مواظبت و محافظت و نگهداری و نگهداری می‌کنند و یا پرداختن به آنها را برای خویش به عنوان شغلی برگزیده‌اند می‌سازد .
مانند : کشتیبان - قایقان - آسیابان - میزبان .

باش کشتی بان درین بحر صفا
که تو نوح تائنی ای مصطفی (مولوی)
۵ - با افزوده شدن به نامهایی که بازگویی رخداددهای طبیعت است ، نام ابزارها و اشیایی که به آنها منسوب است می‌سازد . مانند : سایه‌بان - بادبان .

آسمان با کشتی عمرم ندارد جز دو کار
وقت شادی بادبانی وقت محنت لنگری (انوری)
بان // وان در فارسی معاصر یا پذیرفتن پسوند (ه) ویژه نسبت ، به (وانه) تبدیل می‌شود و (وانه) درین زبان فقط با افزوده شدن به نام اندامهای

بدن نام ابزارها را می‌سازد مانند: انگستوانه = انگستانه و دستوانه - پروانه و غیره. و این (وانه) همان پسوندیت که در فارسی میانه به شکل (VĀNAK) آمده است مانند: PARVĀNAK = پروانه. این گونه واژه‌ها گاه با (یان) هم به کار برده شده است مانند: گریوانه = گریبانه.

با توجه به مثالهایی که ارائه شد اگرچه این پسوند پسندی برابر است ولی از دیدگاه معنی - شناسی (سمانتیک) محدود است. بدین گونه که بان // وان فقط دو گروه معنایی می‌سازد:

الف - نام ابزارهایی که شیء معین و مشخص را نگهداری و نگهداری و محافظت می‌کنند می‌سازد مانند:

سایه‌بان - بادبان - انگستوانه

ب - نام شخصی که چیزی یا مکانی را محافظت و نگهداری می‌کند یا به چیزی می‌پردازد و یا انجام فعلی را پیشه خویش می‌کند، می‌سازد.

مانند: جهانبان - مهربان - دادبان

پسوند بان // وان تنها به نامها افزوده می‌شود و می‌توان گفت که هرگز با صفت به کار برده نمی‌شود و این کاملاً با نهاد زبان و پایه‌های دستوری آن بستگی دارد.

همه واژه‌هایی که با پسوند بان // وان ساخته می‌شود از نظر معنا نام (اسم) بشمار می‌آید (واژه‌هایی مانند مهربان - مورد استثنایی است) بان // وان با واژه‌های بیگانه به ویژه با واژه‌هایی که منشاء نازی دارند به کار برده نمی‌شود. و در موارد بسیار استثنایی به برخی از مشتقات فعل افزوده می‌شود

و شمار اینگونه واژه‌ها بسیار اندک است مانند: رسیدان - گذریان = محافظ راه.

همین پسوند با اندک تفاوت‌های صوتی در زبانهای ایرانی و درگوشهای زبان فارسی حتی در زبان هندی و اردو دیده می‌شود در گویش طالشی به شکل (ABON) = (AVUN) = (VUN ~ VON) مانند GALAVON = گله‌بان NEČIAVON = نجی آون = شبان گاو و اسب و ASIOVUN = آسیابان.

در کردی به شکل "VĀN" مانند BAXVĀN = باخوان = باغبان و DARGAVAN = درگه وان = دربان و غیره.

در گویش ایشکاشم به شکل (BON) مانند BOϕBON = باغبان DARVĀZOBON = دروازه بان در گویش لار به شکل BŪ مانند NIGAHBŪ = نگهبان

در لهجه‌های گوناگون عامیانه کاشان به شکلهای PO-PŪN - ŪN - VO-VON - BUN مانند ÇAPO = چوپان ، SOREUN = ساربان در گویش شیرازی به صورت UN-BU مانند DASTUN = دشتون = دشتبان.

در گویش اصفهانی به شکل UN مانند BAϕUN = باغبان

در زبان معاصر هند پسوند PĀL، از همین مفهوم برخوردار است. و از فعل PĀ که در زبان سانسکریت معنای نگهداری (محافظت) داشته، مشتق شده است. پسوند PĀL که در نخست فقط با واژه‌های سانسکریت می‌آمده است بعدها با واژه‌های هندی نیز ترکیب شده است مانند KṢETRAPĀL = حاکم ولایت (با واژه XSATHRAPAVA (N) = شهربان در فارسی باستان مقایسه شود) و

باغبان و TAROZIBON ترازویان و غیره .

دربان (باوازه های DVĀRA DVĀRE PĀL و اوستایی و فارسی باستان و DVER = **ABEP** = دربان روسی مقایسه شود) و RAJYAPĀL = والی ، فرماندار RAJYA واژه ایست هندی به معنای محل و ولایت . در زبان معاصر هند در کنار پسوند PĀL بان // وان نیز به واژه های برگرفته از زبانهای دیگر و واژه های سره هندی افزوده می شود مانند :

برخی از مؤلفان برآنند که این پسوند از راه زبان تاجیکی به ازبکی راه یافته است و قید می کنند که درین زبان کاربردی اندک دارد مانند

DARVOZOBON = دروازه بان و SAROYBON = سرای بان و POSBON = پاسان = شگرد (پلیس شب) و SOYEBON = سایه بان = چتر .

پسوند بان // وان در زبان فره قالیاق ترکیب صوتی خود را از دست داده و به شکل () در آمده است . مانند = باغبان و

= سایه بان ، چتر و TARĀZIMAN ترازویان و این مربوط است به یکی از ویژگیهای زبان ترکی که در آن واکهای **B** ب و **M** م به یکدیگر تبدیل می شود . برای مثال واک **B** در ضمیر **BU** جز در حالت اسم اشاره در تمام موارد هنگام تلفظ به **M** تبدیل می شود مانند (موتون = ازان این) - مونا (به این) موتو (این را) موندان (ازین) و غیره .

واژه باغبان که از فارسی به زبان ترکی راه یافته بیشتر در گفت و شنودها باغبان تلفظ می شود . و واژه بهانه در گویش باکو به ماهنا (MĀHNĀ) تبدیل شده است .

بان // وان در واژه هاییکه از فارسی به آذری راه یافته بکار می رود مانند : باغبان - مهربان - نیگهان .

HATHIVĀN = فیلیان و GĀRIBĀN = بارکش و DVARBĀN = دربان . می توان گفت در زبان هندی PĀL و بان // وان که عبارت از یک پسوند ویژه دو زبان فامیل می باشد و از نظر ریشگی و معنایی به هم نزدیک است ، از دیدگاه صوتی (فنتوتیک) مانند دو پسوند جدا از هم پذیرفته شده است .

بان // وان به زبان اردو نیز داخل شده و به واژه های ویژه ، این زبان و نیز به واژه های برگرفته از زبانهای هندی و انگلیسی افزوده شده است مانند : دربان - سایه بان = چتر و هاتهی (هاتهی) بان = فیلیان و موتوریان (موتوریان) = راننده که در ترکیب اخیر واژه موتور از زبان انگلیسی گرفته شده است .

این پسوند در برخی از زبانهای ترکی ، در واژه های برگرفته از زبانهای دیگر دیده می شود .

ا . ن . کانوف - A . N . KONONOV ابراز می دارد که "بان" در زبان ازبکی نسبت به دیگر پسوندهای برگرفته شده بیشتر کاربرد داشته و به گونه پسوندی برابر به کار گرفته شده است . مانند (BAYBON) =